

# نقش مقام صدارت «رئیس اوقاف» در حکومت صفوی

نقیسه مرتضوی

## چکیده

بر اساس آثار و اسناد مربوط به وقف در ایران، موقوفات منقول و غیر منقول از زمان ورود اسلام به ایران و پیش از آن وجود داشته که بسیاری از آنها با حمله مغول به تاراج رفته است. با روی کار آمدن حکومت‌های ایرانی و بازسازی سازمان اوقاف به‌ویژه در زمان صفویه، تحت مدیریت عالمان دین‌شناس - که در رأس آنان مقام صدارت قرار داشت - روند وقف و نحوه مدیریت اوقاف رشد فزاینده‌ای یافت.

با ایجاد یک ساختار دیوانی دینی در حکومت صفویه، تمام موقوفات سلطنتی و غیر سلطنتی کشور تحت نظارت منصب صدارت قرار گرفت و متصدی این سمت که «صدر» نامیده می‌شد، بر کار متولیان و نحوه مصرف عواید وقف نظارت کامل داشت.

همراهی ساختار دینی با ساختار سیاسی در حکومت صفوی سبب افزایش موقوفات بزرگ به دست اعضای خاندان سلطنتی شد. شاه عباس اول را می‌توان واقفی بزرگ به شمار آورد؛ زیرا همه املاک سلطنتی و خالصه‌جات خود را وقف دوازده امام کرد و بسیاری از بزرگان نیز به پیروی از هیأت حاکمه، به وقف پرداختند، به گونه‌ای که شمار اوقاف در این دوره به بالاترین حد خود رسید.

## کلیدواژه‌ها:

وقف، ایران، صفویه، صدارت، صدر، وزیر موقوفات، مستوفی موقوفات، سرکار فیض آثار

## مقدمه

خانندان صفوی بعد از ارتقا به مقام شهریاری، ساختار دیوانی کهن ایرانی را که در یک سده قبل از صفویان، منصب صدارت در آن به عنوان منصبی برجسته پذیرفته شده بود، در خدمت اهداف سیاسی و مذهبی خود قرار دادند. اوقاف در این دوره با ترویج مذهب تشیع گسترش یافت و شمار فراوانی از مدارس، مساجد، امامزاده‌ها، تکیه‌ها و سایر مؤسسات دینی و غیر دینی، در عمل با درآمد موقوفات اداره می‌شدند.

در مدارس، مدرّسان و طلاب از درآمد موقوفات بهره می‌بردند؛ و هر چه شمار مدارس زیادتر می‌شد و بنیانگذاران بر شمار موقوفات آنها می‌افزودند، که این امر به رونق علم و بهبود زندگی اهل علم کمک می‌کرد.

این روند به تدریج سبب پدید آمدن یک ساختار دیوانی دینی شد که متشکل از شمار فراوانی از اعضا و دارای سلسله مراتب بود که بنا بر تشکیلات دیوانی صفوی، هر شخص منصبی

خاص داشت. دارندگان این مناصب، همانند دیگر اعضاء دیوان‌سالاری صفوی از مواجب سالیانه برخوردار می‌شدند و مجموعه عظیم موقوفات سلطنتی و مردمی از طریق یک شبکه منظم دیوانی دینی به ساختار نهاد وقف پیوند می‌یافت.

مهم‌ترین و برجسته‌ترین عضو ساختار دیوانی دینی، یعنی «صدر»، مسئول ارشد اوقاف بود و همه آنچه در ساختار نهاد وقف می‌گذشت، جز با تأیید نهائی وی صورت اجرایی نمی‌یافت.

بدین گونه قسمت عمده فعالیت «صدر» صرف نظارت کامل بر کار متولیان اوقاف و نحوه جمع‌آوری و مصرف عواید موقوفات می‌شد.

ما در این مقاله ابتدا به مرور اجمالی وضعیت وقف در دوران قبل از صفویه می‌پردازیم؛ آنگاه به نقش «صدر» به عنوان رئیس اوقاف و بررسی عملکرد وی و کارکنان اوقاف در دوره صفویه خواهیم پرداخت.

## وقف قبل از دوره صفویان

موقوفه از کلمه وقف اشتقاق یافته که از جمله به معنی «پابرجا» است؛ و اصطلاحاً به معنی چیزی است که نمی‌توان آن را تغییر داد و در آن دخل و تصرف کرد. در اصطلاح دینی چیزی است که نذر مسجد و اماکن مقدس و اعمال مذهبی شده باشد<sup>۱</sup>.

از صدر اسلام تا زمان حمله مغول کم و بیش اوقاف وجود داشته است، اما پس از تهاجم مغول به ایران و قتل و غارت همه‌گیر، اموال موقوفه منقول و غیر منقول به تاراج رفت و خان‌ها و سرکردگان ایلات املاک وقفی را تصاحب کردند؛ و چنان شد که دیگر از وقف و موقوفه جز نامی باقی نماند. این مسئله تا زمان اسلام آوردن ایلیخانان ادامه یافت و ستیز بین طبقه روحانی و اشراف فئودال ایلی بر سر املاک وقفی باقی بود؛ زیرا گروه دوم در صدد دست‌اندازی به املاک و مؤسسات وقفی بودند و موفقیت نیز با آنها بود.

گویاترین گواه بر این مدعا دفتر

کوچک منظومی به نام «کارنامه اوقاف» است که آن را شاعری دلسوخته به نام تاج‌الدین نسایی در قالب مثنوی به سال ۶۶۷ هـ. ق سروده است و چگونگی برافتادن سازمان اوقاف و ابعاد دخل و تصرف‌های عمال جور را بر ما آشکار ساخته است.

خلاصه کلام وی آن است که در عهد عزالدین طاهر وزیر و فرزندش وجیه‌الدین زنگی، در منطقه خواف کار اوقاف مرتب و منظم شد و قوام‌الدین نامی که از جانب آن وزیر مأمور کار بود توانست این مهم را به انجام رساند:

وقف را رونقی پدید آمد

وین در بسته را کلید آمد

ولی مفت‌خوارانی که از مال اوقاف می‌خوردند، در این ناحیه همچنان فراوان بودند و کاری جز لهو و لعب و بی‌ناموسی و بی‌عفتی نداشتند. تا آنکه به تدریج دیوانیان ایران موفق به تسلط بر امور شدند و روحانیون را از گوشه و کنار گرد آوردند. تشکیلات اوقاف بازسازی شد و ضعف مغولان در ناتوانی امور دیوانی، به فرهیختگان

ایرانی همچون دو برادر جوینی، خواجه نصیر الدین طوسی و... مجال داد تا فرهنگ ملی و اندیشه دینی اسلام را که به سرعت راه زوال می‌پیمود احیا کنند.

خواجه نصیر الدین به منظور احیای اوقاف، تصدی غیر رسمی تشکیلات آن را بر عهده گرفت و کارگزارانی به سراسر مملکت گسیل داشت و دفاتر گوناگون و منظمی ترتیب داد تا املاک وقفی از نوع زمین‌های مزروعی، حمام‌ها، دکان‌ها، کاروانسراها، کارگاه‌های صنعتی، نهرها، آسیاها و غیره بار دیگر شناسایی و در دفاتر ضبط گردند.

بدین ترتیب تا زمان وفات وی کار اوقاف تا حدودی سر و سامان یافت، هر چند خیلی کسان به تیغ فرزندان چنگیزخان جان باختند. سرانجام با مسلمان شدن برخی از ایلخانان چون اولجایتو، غازان و... و برچیدن بساط آیین‌های بودایی و شمنی از این گستره، آن‌ها هم به دست خودشان، و به تبع آن، اقدام به انجام اصلاحات عدیده به دست همین فاتحان، زمینه‌های استقرار

فرهنگ اسلامی مجدداً فراهم شد، که این همه از به ثمر نشستن تلاش ایرانیان و کامیابی تاریخی آنها در واداشتن فاتحان به تبعیت از فرهنگ و تمدن اسلامی حکایت می‌کند.

این امر به ویژه در زمان غازان خان عینیت یافت؛ چه، در زمان وی دین اسلام رسمیت خود را به نحو قاطع بازیافت و فرامینی جدید به منظور تقویت مراکز دین و مؤسسات وابسته به آن صادر گردید.

غازان خان برای روحانیون تشکیلاتی جدید ایجاد کرد و یک نفر را به عنوان صدر بزرگ تعیین نمود.

صدر، قضات ولایات را به قضاوت منصوب می‌کرد؛ همچنین تعیین امامان جماعت، مدرّسان مدارس و متولیان اوقاف عمومی کشور را نیز عهده‌دار بود.

در دوره تیموریان، آق قویونلوها و قرا قویونلوها، با توسعه اوقاف، نظارت بر آنها نیز به عهده مقامات مذهبی گذاشته شد و موقعیت صدر بیش از پیش تحکیم گشت.<sup>۳</sup>

در این رابطه ویلم فلور می‌نویسد: «طی دوره زمامداری تیموریان، همچنان در دوره حکومت قراقویونلوها و آق قویونلوها، «صدر» به مهم‌ترین مقام مذهبی مبدل گشته بود. صدر رئیس تمام مقامات مذهبی (مناصب شرعیه) و نیز متصدی تمام موقوفات مذهبی بود؛ و به همین دلیل تأکید می‌شد که صدر باید فردی سید فرهیخته و اسوه رفتاری و مدیری مجرب باشد.

در دوره تیموریان، صدر در رأس متولیان خاص و عام، متصدیان امور شرعیه، اهل امامت و نقبا، سادات، قضات، محاسبان، خطبا، ائمه، مدرسان، اصحاب فتوا، متولیان و متصدیان امور اوقاف قرار داشت. او این مقامات مختلف زبردست را منصوب یا عزل می‌کرد و نسبت به عملکرد آنان مسئولیت داشت. همچنین می‌بایست بر میزان برخورداری آنان از رفاه اجتماعی نظارت می‌کرد. علاوه بر این، صدر وظیفه داشت که رفتار و کردار صحیح مذهبی را در اجتماع گسترش دهد و مواظب باشد که احکام مذهبی

در جامعه ملحوظ و عملی گردد. صدر متصدی اداره موقوفات هم بود و باید مراقبت می‌کرد که موقوفات - اعم از دولتی و شخصی - به خوبی اداره شوند.

صدر همچنین مسئول انتصاب تمام اشخاصی بود که استحقاق اداره امور را داشتند. اداره مساجد و مدارس، و رسیدگی به اوضاع واحوال افرادی نظیر: سادات، فقها و شیوخ و نیز دستگیری از فقرا، نیازمندان و ایتام از جمله وظایف او بود. این منصب غالب اوقات به بیش از یک نفر واگذار می‌شد»<sup>۴</sup>.

### «صدر» رئیس اوقاف در دوره صفویه

در فرمانروایی صفویان، به دلیل دگرگونی‌های چشمگیر سیاسی و مذهبی ایران، ساختار و کارکردهای نهاد وقف تا اندازه زیادی با ادوار پیش از آن تفاوت یافت.

در دوره صفویه با گسترش و ترویج مذهب تشیع، اوقاف رشد فزاینده‌ای یافت و شاه اسماعیل اول برای اداره

جامعه اسلامی ایران به عالم و فقیهی نیاز داشت تا هماهنگ با سیاست‌های او، امور دینی جامعه را اداره کند. بدین جهت از میان عالمان سید، یکی را به عنوان «صدر» برگزید تا به طور رسمی ناظر بر مسائل دینی و اوقاف و پشتوانه علمی و فکری او در اقداماتش باشد.

چنین مقامی تقریباً از اوان تشکیل دولت صفوی مهم‌ترین مقام مذهبی ایران بوده است و بیان شده که شاه اسماعیل مؤسس این مقام در میان صفویان بوده است، اگر چه قبل از آن نیز این مقام در دولت‌های تیموری و ترکمان وجود داشته است.<sup>۵</sup>

کمپفر نیز با اشاره به موقعیت «صدر» می‌نویسد:

«قسمت عمده فعالیت اداری وی وقف آن است که عواید حاصل از موقوفات دینی را به مصرف صحیح برساند. او که بر تمام مساجد، موقوفات و اماکن متبرکه ریاست فائقه دارد، محقّ است که شهریه و حقوق برای متولیان، کارکنان، خدام، مدرّسان، طلاب، و عاظ و روحانیون - از هر درجه و مرتبه - به

تشخیص خود و برحسب کفایت آنها تعیین کند؛ بر آن بیفزاید؛ از آن بکاهد و یا به طور کلی آن را قطع کند. به همین ترتیب وی شخصاً بر حسب تشخیص خود روحانیون عالی‌مقام شیعه را به کار منصوب می‌دارد و یا دستور می‌دهد که روحانیون برجسته محلی آنها را منصوب کنند».<sup>۶</sup>

به طور کلی در دوره صفویه، صدر به عنوان فقیهی که به طور طبیعی حکم مرجع تقلید رسمی کشور را داشت مطرح بود و غالباً به دلیل نظارت گسترده صدر بر بخش موقوفات، به او «صدر موقوفات» هم گفته می‌شد.

در تاریخ عالم آرای عباسی وظایف «صدر» چنین بیان شده است: «چون در این دودمان ولایت‌نشان، منصب صدارت عبارت از تقدیم سادات و ارباب عمایم و تکفل مهمات ایشان و ضبط اوقاف و رسانیدن وجوه بر معارف شرعیه است، به جز سادات عظیم القدر فاضل، به دیگری تفویض نمی‌یابد».<sup>۷</sup>

اما به مرور با افزایش کارهای اداری

و حکومتی، به خصوص رسیدگی به امور اوقاف و قضا از یک سو و برآمدن منصب شیخ الاسلام از سوی دیگر، ارزش اجتماعی «صدر» در حد یک مقام رسمی درباری تنزل یافت.

طی دوران طولانی فرمانروائی شاه طهماسب اول، همراه با شکل‌گیری و تثبیت نهاد دینی در ایران، نهاد وقف نیز رفته رفته گسترش یافت. براساس آگاهی‌های موجود، او مقدار زیادی موقوفه برای آستانه حضرت عبدالعظم در ری و قم معین کرد<sup>۸</sup>؛ و در این زمان، مقام «صدر» به دو نفر تفویض شد: صدر خاصه و صدر عامه.

صدر خاصه، سرحد شاخص قدرت در مسائل مربوط به پیشوای روحانیون، اداره موقوفات سلطنتی و نماینده شرع در محکمه دیوان‌بیگی بود؛ و صدر عامه یا صدر الممالک نظارت بر اوقاف غیر دولتی را بر عهده داشت (این تقسیم‌بندی جدای از چیزی است که در نیمه دوم روزگار صفوی مطرح شد، که در این زمان هنوز وظایف صدور تفکیک نشده بود). مقام «صدر

خاصه» برتر از مقام «صدر عامه» بود و در مجامع و بارهای عام دست راست سلطان قرار می‌گرفت<sup>۹</sup>.

در این مورد تاورنیه بیان می‌کند: «منصب صدارت در شخص واحدی محدود و متمرکز نیست. گاهی ممکن است دو نفر صدر باشند؛ چون موقوفات در ایران بر دو قسم است: یکی موقوفات سلطنتی و دیگر موقوفات متفرقه. بدین واسطه گاهی صدر هم دو تا می‌شود. آنکه رئیس موقوفات سلطنتی است ملقب به صدر خاصه و آنکه رئیس موقوفات است ملقب به صدر موقوفات (عامه) می‌باشد»<sup>۱۰</sup>.

تذکره الملوک نیز در مورد صدر خاصه و عامه بیان می‌کند:

«امور سرکار فیض آثار متعلق و مختص عالی‌جاه صدر خاصه است و صدر الممالک را در آن مدخلیتی نیست. عالی‌جاه صدر خاصه روز شنبه و یکشنبه با دیوان‌بیگی در کشیک‌خانه عالی‌قاپوی دیوان می‌نشیند و در محال ایران، حکام شرع یزد و ابرقو و نایین و اردستان و قومس و نطنز و محلات

و دلیجان و خوانسار، برو جرد و فریدن و رار و مزدج و کیار و چاپلق و جرفادقان و کمره و فراهان و کاشان و قم و ساوه، مازندران، استرآباد، کرایلی، نایب الصداره و سایر مباشرین صدر خاصه متوجه می‌شده‌اند. عالی‌جاه صدر ممالک صاحب‌اختیار تعیین حکام شرع و مباشرین موقوفات از مزارات و مدارس و مساجد غیرهم، از کل ممالک محروسه از آذربایجان و فارس و عراق و خراسان می‌باشد. سوای آنچه تحت اسم صدر خاصه تفضل یافت، با صدر الممالک است؛ و در بعضی از ازمنه سلاطین، صدارت خاصه و عامه با یک شخص بوده»<sup>۱۱</sup>.

شاه اسماعیل دوم نیز به سال ۹۸۵ ق منصب صدارت را میان دو نفر تقسیم کرد.

در این مورد خلاصه التواریخ می‌گوید: «در این روز منصب جلیل القدر صدارت را به سیادت و نقابت پناه‌شاه عنایت‌الله نقیب که از سادات رفیع الدرجات و نقبای کثیر البرکات اصفهان بود ارزانی داشت، و حل و

عقد و قبض و بسط و نظم و نسق این امر خطیر را بدو تفویض فرمود؛ و مقرر شد که در رواج اوامر دین و تمشیت امور شرع سید المرسلین و تعمیر بقاع خیرات و توقیر زروع و رُبوع محال موقوفات، مساعی جمیله مشکوره به ظهور رساند»<sup>۱۲</sup>.

در زمان محمد خدابنده بار دیگر موقعیت صدر بالاتر رفت تا جایی که به نوشته قاضی احمد قمی: «هیچ زمانی «صدر» به این استقلال و شوکت و حشمت نبودند. تمامی نذورات، خمس و وجوهات وقفی که در خزانه عامره بود، تمام به رقم وی به مصرف می‌رسید و تولیت اوقاف سر کار حضرات چهارده معصوم علیهم‌السلام که شرعاً بدان اعلی حضرت تعلق داشت، به اسلام‌پناه مذکور عنایت کردند که آنرا به رقم خود به ارباب استحقاق رساند. مهمات شرعی و وقفی تمام به گفته و نوشته وی ساخته بود و احتیاج به عرض نبود»<sup>۱۳</sup>.

در سال ۱۰۱۵هـ ق شاه عباس تصمیم گرفت کلیه زمین‌های متعلق



به خود و همچنین بناهای گوناگون در اصفهان و اطراف آن را وقف دوازده امام، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام کند. او تولیت این موقوفات را خود بر عهده گرفت و قدرت اجرائی و قدرت معنوی را به طور کلی به خود اختصاص داد. این موقوفات چنان چشمگیر بود که در ساختار دیوان صفویان منصبی ویژه برای اداره آن تأسیس شد که وزیر موقوفات چهارده معصوم نام گرفت.

در عین حال شاه عباس اول در عصر خویش سعی کرد از قدرت علما و قدرت اجرائی «صدور» بکاهد و موفق شد که نهادهای سیاسی را بر نهادهای مذهبی غالب سازد.

در این زمان صدور در سمت چپ شاه می‌نشستند و این امر نشانگر برتری نهاد سیاسی بر نهاد مذهبی بود<sup>۱۴</sup>.

در این باره در تاریخ جهان آرای عباسی آمده است: «و هم در این سال توفیق خاصه یافته، تمامت املاک مکتسبی را که در تصرف شرعی آن حضرت درآمده بود وقف حضرات

عالیات عرش درجات چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام فرمودند. وقف نامچه شرعیه در آن باب به خط مرحوم شیخ بهاء الدین محمد عاملی قلمی شد. حاصل آنکه مطابق سنه هزار و هفتاد و چهار هجری است. همه جهت دوساله به تسعیر و وسط، قریب به چهارده هزار تومان می‌شود؛ و رسید هر یک از سرکاران حضرات سامیات ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام را مشخص فرموده، چهارده مهر به اسم سامی گرامی حضرات مطهرات منقوش فرمودند که رسید هر یک به مهر مخصوص آن حضرت داد و ستد شود؛ و بندهای مرصع به جهت مهر مبارک ترتیب یافته، به صدر سپرده شد»<sup>۱۵</sup>.

در این باره اسکندر بیک ترکمان گزارش می‌دهد: «همچنین بر جمیع مستملکات سرکار خاصه شریفه رقم وقفیت کشیده، به نوعی در این باب مبالغه فرمودند که مکرراً از زبان الهام‌بیان آن حضرت شنوده شد که می‌فرمود: جمیع اشیاء سرکار من و آنچه اطلاق مالکیت بر آن توان کرد حتی این دو انگشتی که در دست دارم وقف

است، لیکن مشروط بر آن است که به هر مصرفی که رأی صواب‌نمای اشرف - که متولی آنهاست - اقتضا نماید، در راه دین و دولت صرف نمایند»<sup>۱۶</sup>.

لمبتون نیز بیان می‌کند: «صفویان بسیاری از اراضی کشور را برای مقاصد خیر به‌خصوص برای کمک به بقاع شیعه، بالاخص حرم امام رضا در مشهد و خواهرش در قم جزو اوقاف تعیین کردند. برخی از این اراضی وقفی متعلق به خانواده صفویان قبل از رسیدن به حکومت در ایران بوده است. البته شاید بیش از هر دوره دیگر، در دوره شاه عباس اول شمار املاک موقوفه اضافه شده است»<sup>۱۷</sup>.

طی دوران فرمانروائی شاه صفی، نهاد وقف بر مبنای همان شالوده‌ای که در زمان شاه عباس اول بود استمرار یافت. در زمان شاه عباس دوم، نخستین نشانه‌های آشکار آشفتگی در امر موقوفات به چشم می‌خورد؛ زیرا او تصمیم گرفت خود موقوفات را در اختیار گیرد. سیوری در این مورد گزارش می‌دهد: «شاه عباس دوم مقام

صدر را حذف کرده، مصمم شد تا خود تمامی موقوفات را در اختیار گیرد. وی صدر خود را به نخست‌وزیری گماشت و برای هیجده ماه پایان سلطنتش اساساً صدر نداشت»<sup>۱۸</sup>.

اما به هر حال ساختار نهاد وقف در عصر شاه عباس دوم تا روی کار آمدن شاه سلیمان همچنان پراهمیت ماند. تا اینکه شاه سلیمان صدارت را به دو قسمت خاصه و عامه تقسیم کرد: صدر خاصه مسؤول اداره امور خالصه دینی، و صدر عامه مأمور تنظیم کارهای موقوفاتی شد.

در این باره راجر سیوری می‌گوید: «شاه سلیمان صدارت را به دو شاخه خاصه و ممالیک تقسیم کرد. اگر چه با توجه به اهمیت افزایش یافته شاخه خاصه از بخش اداری کشور، این کار گاهی منطقی بود، اما تقسیم مقام به معنای اشتراک و بنا بر این تضعیف قدرت بود. صدر همچنان مسؤول اداره موقوفات بود»<sup>۱۹</sup>.

بر خلاف دوره شاه سلیمان که چندان گرایش به ایجاد موقوفات

بزرگ نداشت، دوره فرمانروائی شاه  
 دوران احیا و شکوفائی ساختار اوقاف  
 سلطان حسین را از دیدگاهی می توان  
 صفوی تلقی کرد؛ زیرا طی سلطنت سی



وقف میراث جاویدان شماره ۷۶ زمستان ۱۳۹۰

سأله او موقوفات سلطنتی رونق گرفت. بهترین نمونه آن اوقافی بود که برای مدرسه سلطانی برقرار کرد<sup>۲۰</sup>. تفاوت عمده‌ای که این عصر با دوره‌های قبل از خود داشت این بود که شاه سلطان حسین مقامی جدید به نام ملاباشی را جانشین مقام صدر کرد<sup>۲۱</sup>.

### کارکنان اوقاف

وظایف خاص «صدر» بیش از هر چیز با ماهیت اداره موقوفات و زیر مجموعه آن مرتبط بوده است. صدر برای آن که بتواند تشکیلات اداری نهادهای دینی دولتی را اداره کند، نیاز به زیردستانی داشت که شامل وزیر موقوفات، مستوفی موقوفات، متولیان، سرکار فیض آثار و... بود که همه در دیوانی به نام «دیوان موقوفات» زیر نظر صدر به کار می‌پرداختند.

دیوانی که درآمد حاصل از موقوفات را جمع‌آوری و حسابرسی می‌کرد «دفتر موقوفات» نام داشت. دفتر موقوفات مانند دیوان محاسبات کل کشور دارای دو اداره جداگانه بود که وظیفه یکی

از آنها رسیدگی به کلیه امور خاصه موقوفات سلطنتی، و وظیفه دیگری رسیدگی به امور موقوفات عامه بود. همه وزراء و مستوفیان و متصدیان و متولیان و مباشران موقوفات خاصه و ممالیک می‌بایست محاسبه خود را برای ممیزی به دفتر موقوفات تسلیم کنند. از بعضی موقوفات هم حق التولیه و حق‌النظاره در وجه صدر عامه و خاصه گرفته می‌شد.

متصدی موقوفات مطابق با دستور صدر، اختیار درآمد موقوفات را به دست داشت. این درآمد ظاهراً باید در سال بر یکصد هزار تومان بالغ می‌شد که مبلغی قابل توجه بود. این مبلغ سالی یک بار در حضور شاه رسیدگی می‌شد: «این رسمی است مسلم، اما غالباً شاه در این کار شرکت نمی‌جوید. در این صورت در حضور صدر یا معاون وی صورتی تنظیم و به شاه تقدیم می‌کنند. شاه آن صورت را بررسی و دستور لازم را صادر می‌کند و برای اجرا به دفتر موقوفات می‌فرستد. طرز استفاده از درآمد موقوفات دو گونه

بار اسناد و مدارک مربوط را به نظر متصدیان دفتر موقوفات می‌رسانند. از جمله ضوابط شگفت‌انگیز اینکه صدر و همچنین دفتر موقوفات مجاز است اسناد و مدارک استفاده‌کنندگان موقوفات را بگیرند و روحانیون را از آن درآمد محروم بدارند.

میزان حقوق سالیانه صدرها دو هزار تومان است، اما چون به ازای این مبلغ، حواله زمین به ایشان می‌دهند، درآمد زمین‌های واگذاری به آنان به مراتب بیش از این است. علاوه بر آن، درآمدهای دیگر نیز دارند که مجموع عوایدشان به چهار هزار تومان می‌رسد<sup>۲۲</sup>.

### وزیر و مستوفی موقوفات:

اداره امور مالی موقوفات یا اداره وقف بر عهده وزیر و مستوفی موقوفات، دو مسئول برجسته دفتر موقوفات بود که در سطح محلی توسط متصدی موقوفات یاری می‌شدند. وزیر از مقام و موقعیت بسیار برتری نسبت به مستوفی برخوردار بود و وظیفه‌اش

است: یا به صورت مستمری است که موقتی است و متصدیان مربوط تحت شرایط و ضوابطی می‌توانند آن را قطع کنند؛ و دیگری مادام‌العمر می‌باشد و مصارف آنها از عواید اراضی و املاک تأمین می‌گردد. و این مهم‌ترین حواله براتی است که به همان صورت که دیوان محاسبات سالی یک بار به افراد حقوق‌بگیر می‌دهد، در دسترس مستمری‌بگیران می‌نهد و اینان در مواقع معین به دفتر موقوفات مراجعه می‌کنند و حواله برات خود را می‌گیرند. اما اگر مستمری‌بگیران افراد محترم و مهم باشند، قبلاً نزد صدر یا معاون وی که در هر ایالت می‌باشند می‌روند؛ اسناد و مدارک خود را نشان می‌دهند و پس از اینکه اجازه صدور برات در ذیل سند مربوط نوشته شد، به دفتر موقوفات می‌روند و حواله خویش را دریافت می‌کنند. اما چنان‌که دفتر موقوفات به جهاتی از مستمری‌بگیر ناراضی باشد، همه سندهایش را می‌گیرد؛ و این کار به مثابه قطع مستمری است.

مستمری‌بگیران هر پنج سال یک

پرداخت مستمری مقدسین و رسیدگی به احوال آنها بود. وزیر و مستوفی عهده‌دار پرداخت صورت حساب‌های مربوط به اوقاف بودند که به صورت برات پرداخت می‌شد. حق نگهداری این دفاتر مالی هر پنج سال یک بار تجدید می‌شد. وزارت دیوان صدارت که دیوانش با همین عنوان نامیده می‌شد، یک مستوفی برای رسیدگی به دفتر شریعت در اختیار داشت که احتمالاً دفتری همانند دفتر موقوفات بود. وظیفه مستوفی بود که فهرست دخل و خرج را هر ساله به حضور صدر بفرستد و بعداً سرکار مستوفی، اطلاعات موجود در این فهرست را ثبت و ضبط می‌کرد.

متولیان، دبیران، خدمه، عمله، اجاره‌داران و رعایا و زارعین سرکار آستانه مقدسه موظف بودند او را به رسمیت بشناسند و او را تصدیق و از وی اطاعت کنند و بدون اینکه برات را به مهر و امضای او برسانند معامله‌ای انجام ندهند.<sup>۲۳</sup>

کمپفر می‌نویسد: «ناظر موقوفات که

معاون صدر نیز می‌بود مستوفی نامیده می‌شد و از سوی شاه انتخاب می‌گردید و در غیاب صدر کلیه وظایف او را انجام می‌داد. مستوفی موقوفات بر دفترخانه موقوفات ریاست داشت. در این دفترخانه، املاک موقوفه، تمامی جزئیات مساحت، طرز کشت و دریافت و پرداخت سالانه ثبت می‌شد و در عین حال بر جریان امور و قانونی بودن آن نظارت می‌شد؛ زیرا بدون مهر مشاّر الیه دادوستد و وجوهات محصولات صورت نمی‌گرفت»<sup>۲۴</sup>.

### سرکار فیض آثار:

برای تمییز صدر از ناظر موقوفات مذهبی، او را صدر موقوفات می‌نامیدند. مدیریت و نظارت بر تمام آنچه اموال وقف تفویضی (موقوفات مذهبی سلطنتی) نامیده می‌شد، بر عهده صدر خاصه بود که در رأس دیوان الصداره قرار داشت. وقف تفویضی تشکیل شده از اموال و املاک خالصه سلطنتی بود که برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره چهارده معصوم علیهم‌السلام وقف می‌شد.

صدر خاصه می توانست تمام متولیان مزارهای مقدس را نصب و عزل کند. این وقف‌های سلطنتی در اختیار سرکار فیض آثار بود.

نوع دیگر وقف‌های مشابه در اختیار سرکار محبت آثار بود که هیئت رئیسه دیگری داشت.

شاه عباس اول، چهارده مهر به اسم چهارده معصوم علیهم‌السلام به صدر خاصه داد که در معاملات مربوط به اداره وقف‌های تفویضی از آنها استفاده کند. صدر، نماینده شاه در تمام موارد مربوط به این گونه بذل و بخشش‌ها بود<sup>۲۵</sup>.

نویسنده دستور الملوک در این باره می نویسد:

«سرکار فیض آثار به همه موقوفاتی که حکام صفوی مدعی تولیت آن بوده‌اند اطلاق می شده است و این نشان می دهد که حکام صفوی به گسترش موقوفات و تولیت آنها علاقه داشته‌اند؛ چنان‌که شاه عباس اول زمین‌های خصوصی را به موقوفات تبدیل کرد تا از درآمدهای آنها منتفع گردد و در عین حال از سرزنش اخلاقی در سوء

استفاده از آنها مصون بماند»<sup>۲۶</sup>.  
در تذکره الملوک نیز آمده است:  
«امور سرکار فیض آثار متعلق و مختص عالی‌جاه صدر خاصه است و صدر الممالک را در آن مدخلیتی نیست. سرکار فیض آثار نام پر تشریفاتی است که معلوم می دارد این دایره سپرده کف کفایت صدر خاصه بود و در عالم آرا سخن از شکرالله نامی است که در زمان سلطنت شاه اسماعیل ثانی وزیر اعظم گردید و در سلطنت محمد خدابنده او را به وزارت و ممیزی خراسان و در عین حال تولیت سرکار فیض آثار گمارده بودند. در صورتی که منظور از این عبارت آن باشد که وی متولی آستانه قدس رضوی در مشهد گردیده است، ارتباطی بین سرکار فیض آثار و املاک متعلق به آستانه پیدا می کند. از آن جا که تحت عنوان عایدات سرکار فیض آثار به موقوفات اشاره می شود، احتمال دارد دایره عواید محلی را که برای آستانه مقدس رضوی در مشهد تخصیص داده شده و شاه ایران نسبت به آن ذی علاقه بود، تحت نظارت

داشته است»<sup>۲۷</sup>.

مساجد کوچک متولی نداشتند<sup>۲۹</sup>.

### متولی:

متولی سرپرست اماکن مقدسه بود و عواید آن را ثبت و ضبط می کرد. بیشتر اوقات مقام متولی در میان روحانیان موروثی بود. متولی غالباً به کارهای اجرایی و اداره موقوفات می پرداخت. فرمان‌های موقوفات را معمولاً شاه صادر می کرد، اما گاهی صدر و شیخ الاسلام نیز در حوزه فعالیت خود احکامی برای متولی صادر و کسی را به این مقام منصوب می کردند<sup>۲۸</sup>.

به تدریج در اردبیل، مشهد و قم تفاوتی بین نحوه اداره قدیم و جدید به وجود آمد و دو ساختار متفاوت وقف برای اداره اموال فزاینده وقف، بعد از سال ۹۰۵ق/۱۵۰۰م پدیدار گشت. املاک قدیمی وقف، یعنی آنهایی که متعلق به قبل از سال ۹۰۵ق/۱۵۰۰م یا نزدیک به آن بود، در سال ۱۰۱۷ق/۱۶۱۹م وقف قدیم شناخته شدند؛ و به نظر می رسد که هر دو نوع وقف با دو سازوکار متفاوت، زیر نظر متولی جداگانه‌ای اداره می شده‌اند.

بیشترین درآمد موقوفات به متصدیان عواید مساجد که متولی بودند تحویل می گردید. اینان متعهد بودند از آنچه به ایشان سپرده می شود محافظت کنند و حساب آن را داشته باشند و به امور معنوی کاری نداشتند. غیر از تقسیم عواید، موظف به تعمیر و ترمیم مساجد و اماکن متبرکه هم بودند که تولیت آنها به ایشان سپرده شده بود. معمولاً مساجد بزرگ و موقوفات بزرگ درآمد فراوان داشتند و دارای متولی بودند، اما

در اواخر دوره صفوی، معمولاً هر دو منصب را یک نفر عهده دار بود و مطابق گزارش دستور الملوک، در واقع این متولی قدیم بود که ریاست می کرد، گر چه متولی جدید هم وجود داشت<sup>۳۰</sup>.

مقام متولی حرم مشهد مقدس سودآور و پردرآمد بود و اراضی وسیعی در سراسر کشور به این حرم تعلق داشت. متولیان مقبره امام رضا همانند دیگر متولیان مبالغی را به نام رسوم یا رسومات دریافت می کردند



که حق التولیه نامیده می‌شد. این علاوه بر حقوق بالای آنان، یعنی یک‌دهم درآمدهای حرم بود.

علاوه بر آن، سرپرستی همه روحانیان، اعیان و اشراف سراسر ولایت خراسان به آنان واگذار شده بود.

گاهی نیز صدر یکی از این مناصب را به طور همزمان به عهده می‌گرفت. صدر برای نگهداری و مرمت املاک وقفی مبالغ گوناگونی دریافت می‌کرد. به عنوان مثال بخشی از درآمدها ملقب به رسم الصداره بود و فقط شخص وی مجاز بود که این مبلغ را جمع‌آوری کند؛ زیرا صدر مسئولیت جمع‌آوری مالیات‌های اسلامی را به عهده داشت.<sup>۳۱</sup>

متولی حرم امام رضا (علیه السلام) (موظف بود که آستانه متبرکه را انتظام بخشد. خدام، مدرسان علوم دینی، قاریان قرآن و سایر کارکنان و خدمتکاران آستانه را مطابق ترتیبی که شاه طهماسب اول مقرر کرده بود دریابد و به احوال آنان رسیدگی نماید. متولی همچنین مراقبت می‌کرد که اطعام فقرا و مقرری راتبه‌خواران به

وجهی نیکو توزیع گردد»<sup>۳۲</sup>.

### مدرس:

مدرس نماینده ایالتی صدر خاصه بود. بنابر روایت سانسون: «صدر خاصه در تمام شهرهای عمده ولایات نمایندگانسی دارد که آنها را مدرس می‌خوانند. حکام ولایات نمی‌توانند بدون رأی آنان که فتوا نامیده می‌شود حکمی قطعی صادر کنند»<sup>۳۳</sup>. در واقع: «تمام افرادی که در امور مذهبی و دینی مداخلیتی دارند، مقام خود را از صدر خاصه دریافت می‌دارند و متقابلاً درآمد هنگفتی را برای او فراهم می‌آورند»<sup>۳۴</sup>. مدرس تنها نماینده صدر خاصه در ایالات نبود؛ زیرا ملاها و پیش نمازها نیز زیرمجموعه مدرس بودند و از او پیروی می‌کردند. سایر کارکنان موقوفات عناوینی از قبیل کلیددار و خادم‌باشی داشتند.

### نتیجه:

آنچه درباره اوقاف و آثار موقوفه در ایران وجود دارد، بیانگر این مطلب

است که این آثار از صدر اسلام تا زمان حمله مغول کم و بیش وجود داشته است، اما پس از تهاجم مغول به ایران، نزدیک بود که دیگر از وقف و موقوفه جز نامی نماند، ولی پس از تأسیس حکومت ایلخانان و نفوذ خواجه نصیرالدین طوسی، اوقاف سر و سامانی یافت و در دوران آق قویونلوها و قراقویونلوها رشد کرد و در زمان صفویه به اوج خود رسید. پس از روی کار آمدن صفویان و گسترش فرهنگ تشیع در ایران اسلامی، شاه اسماعیل که برای تشکیلات سیاسی اداری خود به یک عالم، فقیه، قاضی، مبلغ و مجتهد نیازمند بود، به این منظور در رأس روحانیون «صدر» را منصوب کرد که اداره محاکم مذهبی را بر عهده داشت و به کلیه مسائل مالی مذهب و طبقه مذهبی نیز رسیدگی می کرد و به طور رسمی ناظر بر مسائل اوقاف بود. همچنین در عهد شاه طهماسب این منصب به خاصه و عامه تقسیم شد که «صدر خاصه» نظارت بر موقوفات سلطنتی را بر عهده داشت و «صدر

عامه» به موقوفات عامه رسیدگی می کرد، اما در زمان شاه عباس اول از نفوذ صدر کاسته شد و شاه رأساً امور سیاسی و نظامی را بر عهده گرفت. در زمان شاه عباس دوم برای اولین بار نشانه‌هایی از آشفتگی در دیوان اوقاف مشاهده شد و او مدتی خود منصب صدارت را به عهده گرفت و در هیجده ماه پایانی حکومتش عملاً صدر نداشت، اما شاه سلیمان از نیای خود پیروی نکرد و دو صدر برگزید: خاصه و عامه. این مقام در زمان سلطان حسین به مقام ملاباشی تبدیل شد. به سخن دیگر، در ابتدای دولت صفوی «صدر» از منزلت بیشتری نسبت به اواخر حکومت صفوی برخوردار بود، اما مقام صدر با همه فراز و نشیب خود به خاطر ریاست بر اوقاف و فزونی وقف در ایران توانست تا اواخر دولت صفوی بر جا بماند و وظایف خود را که در حقیقت اداره موقوفات و زیر مجموعه آنها بود، به وسیله زیر دستان به انجام می رساند.

## منابع

۱. بیانی، شیرین. (۱۳۷۱). دین و دولت در ایران عهد مغول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲. تاورنیه. (۱۳۳۶). سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح حمید شیرانی. چاپ دوم. اصفهان: کتابخانه سنائی.
۳. ترکمان منشی، اسکندریک. (۱۳۶۴). تاریخ عالم آرای عباسی. تصحیح شاهرودی. چاپ دوم. تهران: نشر طلوع و سیروس.
۴. جعفریان، رسول (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۵. سانسون. (۱۳۷۷). سفرنامه سانسون، ترجمه محمد مهریار. اصفهان: گل‌ها.
۶. سیوری، راجر. (۱۳۷۶). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. چاپ پنجم. تهران: نشر مرکز.
۷. سیوری، راجر. (۱۳۸۰). در باب صفویان. ترجمه رمضان روح‌اللهی. تهران: نشر مرکز.
۸. شاردن. (۱۳۷۴). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمائی. ۶ جلد. تهران: توس.
۹. صفت‌گل، منصور. (۱۳۸۱). ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۰. طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران. تهران: انتشارات علمی، فرهنگی. چاپ سوم.
۱۱. فلور، ویلم. (۱۳۸۱). نظام قضائی عصر صفوی. ترجمه محسن زندیه. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۲. قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین. (۱۳۵۹). خلاصه التواریخ. تصحیح احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. کمپفر. (۱۳۶۰). سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهانداری. چاپ دوم. تهران: لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۶۲). مالک و زارع. ترجمه منوچهر امیری. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. میراحمدی، مریم. (۱۳۶۹). دین و دولت در عصر صفوی. چاپ دوم. تهران: امیر کبیر.
۱۶. میرزا سمیعا. (۱۳۶۸). تذکره الملوک (به ضمیمه تعلیقات مینورسکی). ترجمه مسعود رجب‌نیا. به کوشش محمود دبیر سیاقی. چاپ دوم. تهران: امیر کبیر.
۱۷. میرزا رفیعا. (۱۳۸۵). دستور الملوک. ترجمه علی کردآبادی. چاپ اول. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۸. وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر. (۱۳۸۳). تاریخ جهان آرای عباسی. تصحیح سید سعید میرمحمد صادقی، چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

## پی‌نوشت‌ها

۱. شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۳۷۷.
۲. بیانی، دین و دولت در ایران عهد صفوی، ج ۲، ص ۵۴۳.
۳. همان، ص ۵۳۰.
۴. فلور، نظام قضائی عصر صفوی، ص ۹۵.
۵. جعفریان، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۱۹۴.
۶. کمپفر، سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۱-۱۲۲.
۷. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۶۹.
۸. جعفریان، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۱۹۶.
۹. شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۶، ص ۴۰۸.
۱۰. تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ص ۵۸۸.
۱۱. تذکره الملوک، ص ۲-۳.
۱۲. خلاصه التواریخ، ج ۲، ص ۶۴۸.
۱۳. همان، ص ۶۷۰.
۱۴. دستور الملوک، ص ۳۵۱.
۱۵. وحید قزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، ص ۱۶۹.
۱۶. تاریخ عالم‌آرای عباسی، ص ۷۶۱.
۱۷. لمبتون، مالک و زارع، ص ۲۳۶.
۱۸. سیوری، در باب صفویان، ص ۲۰۲.
۱۹. سیوری، ایران عصر صفوی، ص ۲۳۸.
۲۰. صفت‌گل، ساختار نهاد واندیشه دینی، ص ۳۲۵.
۲۱. میراحمدی، دین و دولت در عصر صفوی، ص ۱۲۵.
۲۲. شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۳۴۲-۱۳۴۳.
۲۳. فلور، نظام قضائی عصر صفوی، ص ۱۱۳.
۲۴. کمپفر، سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۲.
۲۵. فلور، نظام قضائی عصر صفوی، ص ۱۰۸.
۲۶. دستور الملوک، ص ۳۵۲.
۲۷. تذکره الملوک، ص ۱۴۷.
۲۸. فلور، نظام قضائی عصر صفوی، ص ۱۰۹.
۲۹. طاهری، تاریخ سیاسی اجتماعی ایران، ص ۱۶۴.
۳۰. دستور الملوک، ص ۳۵۲.
۳۱. شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۳۴۴.
۳۲. دستور الملوک، ص ۳۵۲.
۳۳. فلور، نظام قضائی عصر صفوی، ص ۱۴۷.
۳۴. سانسون، سفرنامه سانسون، ص ۲۱.
۳۵. فلور، نظام قضائی عصر صفوی، ص ۱۴۷.